

یاران عزیز روحانی

الله ابھی

فرا رسیدن ایام مبارک که رضوان را به تمامی شما عزیزان تبریک میگوئیم. امیدواریم که به برکت این ایام، باب آسایش و رخاء بر عالم و عالمیان علی الخصوص، هموطنان جمال مبارک در خطه مبارکه ایران مفتوح گردد. حضرت بهاءالله در خصوص این ایام مبارک میفرمایند:

" کتاب می گوید ، چه می گوید؟

می گوید: مکنون آمد.

نافه می گوید: مشک معانی آمد .

صدف می گوید: لؤلؤ حقیقی آمد.

افق می گوید: نیر اعظم آمد.

طور می گوید: مکلم آمد.

سدره می گوید: اُنظُرُوا اَثَماری و اسمعوا حقیقی.

بحر می گوید: اُنظُرُوا عظمتی و امواجی.

آفتاب می گوید: اُنظُرُوا اشراقی و تجلیاتی.

مظلوم می گوید: اَلْعِزَّةُ و العِظْمَةُ لله و لأَصْفِيائِهِ

ص ۱۴۷ پیام آسمانی ج ۲

امیدواریم در این ۱۲ روز، بتوانید اوقاتی را به جشن و سرور اختصاص داده و در صورت لزوم از این برنامه پیشنهادی استفاده نمایید

جانان خوش باد

حضرت عبدالبهاء میفرماید:

عید رضوان است ، عید جمال قدم است ، عید طلوع شمس حقیقت است ، عید بسیار بزرگی است ، مثل و نظیر ندارد . از برای احباء الله یوم سروری اعظم از این نمیشود بدلیل چند ، دلیل اول یومی است که عظمت امرالله ظاهر و باهر شد ، دلیل ثانی جمیع اعداءالله خاضع شدند ، دلیل ثالث اعلان من یتظهراللهی گردید ، دلیل رابع جمال مبارک در نهایت سرور و روح و ریحان چنین سفر مبارکی فرمود ، ملاحظه کنید که جمال مبارک در آن سرگونی چه سروری داشتند که در آن ایام اعلان امر الهی نمودند ، دیگر نظیر ندارد .

ایام تسعه صفحه ۳۳۰-۳۲۹

پروگرام جلسه عید مبارک رضوان

۱- مناجات شروع

۲- لوح مبارک عید رضوان

۳- لوح مبارک حضرت بهاءالله

۴- معنای برخاستن از قبور در یوم قیامت

۵- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء

۶- مهم ترین ایام در تاریخ بهایی

تنفس

۷- لوح مبارک حضرت بهاءالله

۸- عظمت ظهور

۹- مقام مؤمن به این ظهور اعظم

۱۰- روز فرح اعظم

۱۱- برنامه های محلی

۱۲- مناجات خاتمه

## ۱-مناجات شروع

الهی الهی شهادت می‌دهم بر عظمت و عطا و عزّت و بهای تو. تویی آن سلطانی که ضوضای اهل امکان ارادهٔ تورا منع نمود و شئونات مَطالع ظنون و اوهام، تورا از مشیّت باز نداشت. قدرت عالم تورا ضعیف نمود و کفر امم تورا از ذکر توحید منع نکرد. مخالفت عباد، نعمت را سدّ نمود. فغان اهل شقاق تورا از اشراق ممنوع نساخت. ای کریم، کلّ بر کرمت گواهی داده و می‌دهند. فقیرانت را از بحر غنا محروم مکن و محتاجان را از ملکوت ثروت منع نساز. تویی قادر و توانا و تویی دانا و بینا.

مجموعه آثار قلم اعلی شماره ۴۱ ص ۷۸

## ۱۲-مناجات خاتمه

بار الها کریم رحیما، چه کُفران از عباد ظاهر شده که از امواج بحر رحمت محروم مانده اند و از اشراقات انوار آفتاب ظهور ممنوع گشته اند. الهی اعمال جُهّال را به اسم ستّارت ستر فرما. تویی کریمی که ذُنوب مُدنین بخششت را منع نمود و باب فیضت را سدّ نکرد. یک حرف از کتاب جودت، علّت وجود شد و یک قطره از دریای رحمتت، سرمایهٔ غیب و شهود. با کمال عجز و نادانی و فقر و ناتوانی، بدایع فضلّت را میطلبیم. به حبّلس متمسّکیم و به ذیلش متشبّث. ای خطاپوش، خطاها را بپوش و به طراز عفو اکبر، مزین دار. توئی آن توانائی که به یک اراده، ناتوانان را مطلع اقتدار و ضعیفان را مصدر اختیار نمائی. لا اله الا انت العلیم الخبیر و انت العزیز الحکیم و انت الغفور الرحیم و الفضّال الکریم. مائدهٔ آسمانی، ج ۷

هُوَ الْأَقْدَسُ الْأَبْهَى

يا إلهي لك الحمد بما طلع فجر عيدك الرضوان وفاز فيه من أقبل إليك يا ربنا الرحمن. كم من أحبائك يا إلهي يركضون في برية الشام شوقاً لجمالك ومنعوا عن الورود في ساحه عز أحديتك بما اكتسبت أيادي أعدائك من الذين كفروا بك وبسلطانك. أي رب فانظر طغاة بريتك بلحاظ قهرك وعزتك قد بلغوا في الظلم إلى مقام لا يقدر أحد أن يخصيه إلا نفسك العليم قد رضوا أحببتك بالسجن والدخول فيه وهم لا يرضون بذلك بغياً على مظهر أمرك. طوبى لبصير يرى في كل ما يرد عليه في سبيلك علو مقامه وإعلاء أمرك يا إله العالمين وعزتك لو يجتمعن من على الأرض كلها على أحد من أهل البهائم لا يقدرن لأن كل ما يرونه ضراً لأصفيائك إنه نور لهم ونار لأعدائك لو لا استقر مطلع قيوميتك في السجن الأعظم كيف ينتشر أمرك ويظهر سلطانك ويعلن اقتدارك ويبرهن آياتك حملت كل البلائ على نفسى حبا لك ولخلقك أي رب فافتح عيون عبادك ليرونك في كل الأحوال مستويًا على عرش عظمتك ومهمنا على من في أرضك وسمائك إنك أنت المقتدر على ما تشاء لا إله إلا أنت المقتدر القدير.

رسالة تسيح وتهليل - ۱۳۹ بدیع - الصفحة ۱۵۵

مضمون لوح مبارک به فارسی

اوست مقدس تر و نورانی ترین

ای خدای من، تو را شکر به سبب طلوع فجر عید رضوانت و اینکه در آن فائز شد کسی که به تو اقبال نمود ای پروردگار رحمان ما. چه بسیار از احبای تو که در سرزمین (بیابان) شام به شوق جمال تو دوآند ولی از ورود به درگاه عزت احدیت تو منع شدند، به سبب آنچه که مرتکب شدند دستان دشمنان تو، آنان که به تو و قدرتت کفر ورزیدند. ای خداوند، به مردمان عصیانگرت به لحاظ قهر و قدرتت، نظر افکن. براستی ایشان در ظلم به مقامی رسیده اند که احدی قادر بر احصاء (شمارش) آن نیست مگر خودت که علیمی (بسیار دانایی). احبای تو به زندان و دخول در آن راضی شده اند ولی آنان (معاندین)، برای ستم به مظهر امر تو، زندان هم راضی شان نمیکند (ستم بیشتری را میخواهند روا دارند). خوشا بحال کسی که با بصیرت و دانایی بر هر آنچه بر او در راه امرت وارد میشود، بلندی مقام خود و بزرگی امر تو را مشاهده نماید. قسم به عزت تو اگر جمیع ساکنان زمین بر زیان احدی از اهل بهاء، مجتمع شوند بر این امر، قادر نخواهند بود. براستی که هر آنچه را که زیان و ضرر بر احبای تو می بینند، برای آنان (احباء)، نور است و برای دشمنان، آتش (نار). اگر مطلع قیومیت تو (مظهر امر)، در این زندان، استقرار نمی یافت، چگونه امر تو منتشر شود و قدرت تو ظاهر گردد و اقتدارت، علنی شود و آیات تو واضح و آشکار گردد؟ من همه بلایا را بر خودم به خاطر دوستی تو و خلقت تحمل نمودم.

ای پروردگار من، پس چشمان بندگانت را بگشای (به آنان دیده بصیرت عطا کن) تا در جمیع احوال، تو را قائم بر تخت عظمت و مقتدر بر اهل زمین و آسمانت، مشاهده کنند. براستی که تو مقتدری بر هر آنچه که بخواهی. خدایی نیست جز تو که مقتدر بسیار توانایی.

### ۳- لوح حضرت بهاءالله

بهار ظاهری که تربیت ظاهر اشیا به امر خالق اسما به او موکول و مفوض است، در سال یک مرتبه ظاهر شود و هم چنین بهار معنوی که تربیت ارواح و افئده منیره می نماید و حیات باقیه دائمه مبدول میفرماید، در هر هزار سنه آوازید یک بار جلوه می نماید و بر همه اشیا از غیب و شهود خلعت هستی و تجلی ربوبی ابلاغ میفرماید. دیگر تا کی مستحق آید و چه کسی لایق باشد که ادراک نماید. پس تا شمیم های خوش روحانی از باغ های قدس معانی می وزد و بلبل بیان بر شاخ های گل رضوان می سراید، سعی و جهدی باید تا گوش از آوازه های ملیح ربانی بی نصیب نشود ...

لثالی حکمت ج ۲ ص ۸ و ۷

#### ۴- معنای برخاستن از قبور در یوم قیامت

حضرت اعلی در کتاب بیان، باب نهم از واحد دوم میفرماید:

"مراد از برخاستن از قبور در روز قیامت، برخاستن از قبر اوهام است. چون بعث مظهر ظهور شود، اهل اثبات نیز بر اثر ایمان به او مبعوث میگردند و اهل نفی در گور اوهام مدفون میشوند." به عبارتی قیامت که به معنای ظهور و قیام مظهر حق میباشد، هنگامیست که اذهان بر گذشته خط بطلان کشیده و حیاتی جدید یافته و مجدداً احیا و زنده میگردند. ولکن اذهان اسیر و مرده در قبرهای خود مدفون میگردند. حضرت بها الله میفرماید:

"در حین ظهور کلّ خلق در صُقع واحدند و بعد به قبول و عدم قبول، صُعود و نُزول و حرکت و سُکون و اقبال و اعراض مختلف می شوند. مثلاً حقّ جلّ جلاله به لسان مظهر ظهور می فرماید اَلَسْتُ بِرَبِّکُمْ. هر نفسی به قول بلی فائز شد، او از اعلی الخلق لدی الحقّ مذکور"

یاران پارسی، ص ۴۱

#### ۵- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء

ای یاران روحانی عبدالبهاء در این دم که کوکب عید رضوان از مشرق امکان درخشنده و تابان و جهان از وجد و طرب در نهایت روح و ریحان، جذب و سرور است، وله و حُبور و تجلّی یوم مشکور، شادمانی است و کامرانی روحانی است و وجدانی، نغمه و آهنگ است و ترانه و چغانه و چنگ. از هر جهت آثار فرح ظاهر و از هر سمت انوار جذب و وگه باهر، یاران الهی در نهایت شادمانی و اصفیاء رحمانی در منتهای کامرانی؛ زیرا یوم خروج اسم اعظم است در عراق از مدینه الله به حدیقه نورا و حضرت مقصود در آن یوم مشهود در نهایت فرح و سرور بودند، لهذا اشراق آن بشاشت، ملکوت وجود را احاطه نمود و در آن روز فیروز اعلاء کلمه الله بر جمیع امکان گشت. پس ای یاران الهی در این عید مبارک باید کل چنان وجد و سروری نمایید که ملکوت وجود را به حرکت آرید. لهذا عبدالبهاء به بشارت کبری فائز و نهایت تصرّح و ابتهاج را به درگاه جمال ابهی می نماید که جمیع یاران را به روح و ریحان آرد و سرور و شادمانی بخشد.

منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء جلد ۴ ص ۲۸-۲۹

## ۶- مهم ترین ایام در تاریخ بهایی

پس از تبعید حضرت بهاء الله و خانواده و جمعی از اصحاب ایشان از ایران به بغداد در ممالک عثمانی که به دستور ناصرالدین شاه صورت گرفت، حضرت بهاء الله قریب به ده سال در این شهر ساکن بودند به جز دو سال که در کوه های سلیمانیه سپری فرمودند. در مدت اقامت ایشان در بغداد به خصوص پس از رجعت از کوههای سلیمانیه، حضرت بهاء الله از نفوذ کلام و عزت و اعتبار بالایی در بین مردم بغداد برخوردار بودند. این مقام و موقعیت بر معاندین و علمای آن دیار و همچنین علمای ایران خوش نمی آمد به طوری که باز هم به تحریک جمعی از علمای حسود و نیز دربار قاجار دوباره ایشان را از شهر بغداد به شهر اسلامبول که فاصله بسیار بیشتری تا مرزهای ایران داشت تبعید نمودند. علاوه بر آن جمعی از اصحاب را که گرد ایشان گرد آمده بودند و تحت حمایت و هدایت ایشان بودند را متفرق نموده و به این وسیله قصد داشتند که با جدایی افکندن در بین مؤمنین و نیز تبعید حضرت بهاء الله به دیار بعید، از نفوذ و رسوخ دیانت جدید در بین مردم به خصوص در نواحی مرزی ایران بکاهند. پس از ابلاغ حکم تبعید و ترک بغداد حضرت بهاء الله با جمعی از پیروان و اعضای خانواده خود مدت ۱۲ روز را در باغی در حوالی بغداد به نام باغ نجیبیه (باغ نجیب پاشا) گذراندند. این دوازده روز در بین بهائیان، مهم ترین ایام در تاریخ بهایی محسوب میشود زیرا حضرت بهاء الله در این ایام و البته دقیقاً در روز اول اردیبهشت به طور علنی و آشکار رسالت خود را اعلان فرمودند و به اصحاب و مومنین، مبانی ظهور دیانت جدید و رسالت خود را ابلاغ کردند. از این تاریخ به بعد دور دیانت بابتی منقضی شد و دیانت جدید بهائی متولد گشت. و حضرت بهاء الله اظهار فرمودند که ایشان همان موعود کتاب بیان هستند که حضرت باب در آثار خود بارها از ایشان به نام "من یظهره الله" نام برده اند. اظهار امر یا به اصطلاح آغاز بعثت علنی حضرت بهاء الله که قریب به ده سال پس از اظهار امر خفی ایشان در سیاه چال طهران بود، روح جدیدی در کالبد مومنین امر بدیع دمید و جانی تازه به پیروان ایشان بخشید به طوری که توانستند بر رنج تبعید فائق آیند و از آن پس به نشر و تبلیغ دیانت بهائی پردازند. بهائیان هر ساله این دوازده روز (اول تا دوازده اردیبهشت برابر با ۲۱ آوریل تا ۲ می میلادی) را به عنوان عید رضوان جشن میگیرند. سه روز از این دوازده روزه جزء ایام محرمه محسوب است، یعنی اشتغال به کار و کسب و سایر امور اداری در این سه روز حرام می باشد. بهائیان کل ایام بالاخص این سه روز را گرامی میدارند و به ترتیب دادن ضیافات و برنامه های مخصوص در اعزاز و تکریم این ایام می پردازند. این سه روز عبارتند از روز اول اردی بهشت مطابق اظهار امر علنی حضرت بهاء الله، روز نهم اردیبهشت برابر با ورود اعضای عائله مبارک ایشان به باغ رضوان و روز دوازدهم که روز خروج حضرت بهاء الله از باغ رضوان به طرف اسلامبول است.

## ۷- لوح مبارک حضرت بهاء الله

هو المحبوب ای بلبان گلزار احدیه و ای طایران گلستان صمدیه صبح بشارت الهی از افق جان طالع شد و نار هدایت موسوی از سدره عز ربّانی لامع گشت و رضوان الهی به بدایع ریاحین معنوی مزین گردید. حبّات قدسی در اعلی الجنان روئید و نخل قامت جانان، در ریاض جان چون سرو بوستان قامت کشیده و بلبل گلستان حقیقی، از تابش جمال گل و جوشش خُم های مُل، در خروشنند. عاشقان روی دوست از پرتو طلعتش و نعمات عندلیب گلزار مُنصعق و مدهوشند و صلاهی سروش در آن فضای جانفزای احدیه به گوش هوش بشنوند.

پس ای طالبان جمال ذوالجلال و ای سالکان طریق سلطان بی مثال، کمر بر بندید که از این فیض کلیّه و رحمت مُنسبته قسمتی برید و از این دریای بی پایان فضل عمیم سلطان احدیه، نصیبی برید و بهره ای از این خوان نعمت جاوید برید که جمیع آفاق را احاطه نموده و بر کلّ ذرّات وجود، به مقتضای عدالت حضرت معبود، افاضه گردیده. جهدی باید که انشاء الله به عنایت حقّ در این گلشن قدس چون اُطیّار عَرشی بر پرید و بر این شاطیء بحر اعظم وارد گردید و از این عین صافی و کوثر باقی بنوشید. کلّ ذلک من فضل الّذی کان فی ایام الله مشهوداً و من سماء القدس منزولاً.

مجموعه آثار قلم اعلی، شماره ۷۴، ص ۹۲-۹۴

## ۸- عظمت ظهور

حضرت بهاء الله می فرمایند:

لله الحمد عرف محبّات اولیاء متضوع است، به لسان ناطقند و به قلب مُقبل و بر خدمت قائم. امروز یک قطره از اعمال به مثابه دریاست و ذره مانند آفتاب، چه که ایام ظهور اعظم است، عفوش سبقت داشته، جودش سبقت داشته، رحمتش سبقت داشته، کرمش سبقت داشته، ستر می نماید آنچه مشهود است و اظهار می فرماید آنچه مستور است. جمیع کتب قبل در ذکر این یوم مبارک جشنها برپا نموده اند. فی الحقیقه الیوم حقائق عالم به فرح اعظم و سرور اکبر مُزین. طوبی از برای نفسی که قدر یوم را شناخت و بما ینبغی عامل شد.

آیات الهی ج ۲ ص ۶



۹- مقام مؤمن به این ظهور اعظم

حضرت بهاء الله میفرماید:

به نام خداوند دانا

جميع اشياء شهادت داده‌اند بر عظمت ظهور الله؛ ولكن عباد از ظهور غافل و به اصنام او هام عاكف. نيكوست حال نفسی که به اسم مالک انا م حُجبات او هام را خرق نمود و به غایت قُصوى و افق اعلى فائز گشت. هر نفسی اليوم به عرفان الله فائز شد، مثل آنست که به عرفان نبیین و مُرسَلین از اوّل لا اوّل إلى آخر لا آخر فائز بوده و هست. این یوم بدیع را مثل و ماندی نبوده و نیست. هر چشمی مشاهده نمود او سلطان چشم هاست و هر لسانی به ذکرش فائز گشت او مالک لسانهاست. نَعِيماً لِقَلْبٍ أَقْبَلَ وَ لِرِجْلِ سَرَعَ وَ لِيَدٍ أَخَذَتْ كِتَابَ اللَّهِ الْمَهِيْمَنِ الْقَيُّومِ. وصیت می‌نماییم ترا به آنچه اليوم سبب ارتفاع امر است. از حق بخواه تا تورا مؤید فرماید بر اصغای بیانش. چه، اگر نفسی لذت بیان را بیابد، اهل امکان قادر بر تحریف او نبوده و نخواهند بود. تَوَكَّلْ فِي كُلِّ الْأُمُورِ عَلَى اللَّهِ رَبِّكَ وَ قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ. لا إله إلا هو العزيزُ الجميل.

مجموعه آثار قلم اعلى، شماره ۱۸، ص ۵۵۵

## ۱۰- روز فرح اعظم

مقارن ورود سلطان جلال به باغ رضوان صدای اذان بعد از ظهر از مسجد بلند شد و ندای الله اکبر که به وسیله مؤذن ادا می شد در تمام باغ طنین انداز گشت. حضرت بهاء الله در نهایت سرور و باشکوه و جلال موفور در خیابانهای باغ که به گلها و درختان زیبا مزین بود، مَشی می فرمودند و عطر بوته های گل سرخ و صدای ترنم بلبلان هم، محیط زیبا و پر جذبه ای ایجاد کرده بود. اصحاب جمال اقدس ابهی از مدتها قبل قُرب اظهار امر آن حضرت را احساس می نمودند. این احساس از یک طرف بر اثر اشارات و خطباتی بود که آن حضرت در ماههای اخیر اقامت خود در بغداد می نمودند و از سوی دیگر نتیجه تغییرات محسوسی بود که در سلوک و رفتار آن حضرت مشهود میشد. نشانه دیگری که به روشنی دلالت بر میقات اظهار امر مینمود، استقرار تاج بر سر مبارک هنگام خروج از بیت مبارک در بغداد بود. حضرت عبدالبهاء در خطابه ای که در ۲۹ آپریل ۱۹۱۶ در بهجی ایراد نمودند بیان میکنند که چگونه حضرت بهاء الله پس از ورود به باغ رضوان رسالت روحانی خود را به اصحاب حاضر در باغ اعلان و در نهایت بشاشت و سرور آغاز عید اعظم رضوان را اعلام فرمودند. بر اثر استماع این بشارت کبری غم و اندوه از میان مؤمنین رخت بر بست و قلوب آنان از سرور و جهور سرشار شد ... حضرت بهاء الله در یکی از الواح مقدسه ضمن اشاره به یوم اول عید رضوان از آن به "روز فرح اعظم" یاد میکنند ... در باغ رضوان و در طی این اعلان تاریخی و خطیر بود که آن جمال بی مثال به صراحت بیان، خود را "مَنْ يُظْهَرَهُ اللهُ" یعنی موعودی که حضرت باب به ظهورش بشارت داده خود را در راهش فدا نموده و درباره اش با پیروان خود عهد و وثیق بسته بود، معرفی نمودند....

نفحات ظهور حضرت بهاء الله صص ۲۸۰ و ۲۸۱